

## رد قاعده رانوا در مورد اموال فرهنگی منقول: پرونده جمهوری اسلامی ایران و دنیز برند [سر سرباز هخامنشی]<sup>۱</sup>

درک فینچام

ترجمه سوسن چراغچی<sup>۲</sup>

### مقدمه

در قضیه ایران و برند، دادگاه عالی لندن بار دیگر با یکی از ماندگارترین مسائل حقوق بین‌الملل خصوصی روبه‌رو شد. کنترل مؤثر بازار غیرقانونی اموال فرهنگی کار بسیار مشکلی است؛ زیرا بسیاری از اقداماتی که با هدف مبارزه با قاچاق اموال فرهنگی صورت می‌گیرند عملاً خود به رونق بازار سیاه کمک می‌کنند.<sup>۳</sup> دادگاه‌های هر دو کشور انگلستان و ایالات متحده آمریکا در عمل نشان داده‌اند که در صدور حکم علیه افراد دخیل در تجارت غیرقانونی عتیقاتی که با نقض

۱. مشخصات مأخذ مقاله به شرح ذیل است:

Derek Fincham, Rejecting *Renvoi* for Movable Cultural Property: *The Islamic Republic of Iran v. Denyse Bereng* International Journal of Cultural Property (2007) 14:111-120, Printed in the U.S.A. Copyright©2007. International Cultural Property Society.

۲. کارشناس حقوقی ذی‌ربط پرونده سر سرباز هخامنشی در اداره کل حقوقی و املاک سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

3. See Bator, «An Essay on the International Trade in Art», p. 318.

در آن مقاله گفته شده است: «غالب نظام‌های رایج کنترل صادرات، خودمخرب هستند. دلیل رونق بازار سیاه بین‌المللی آن است که هیچ جایگزین دیگری، نه برای خریداران و نه فروشندگان وجود ندارد و لذا همه مشوق‌ها به سمت تجارت غیرقانونی سوق داده می‌شوند».

قوانین میراث فرهنگی سایر کشورها صادر شده‌اند آماده استفاده از حقوق جزا می‌باشند.<sup>۴</sup> در نتیجه، بیش تر مباحثات مربوط به سیاست اموال فرهنگی در سال‌های گذشته بر میزان تأثیرگذاری حقوق جزا بر تجارت غیرقانونی متمرکز بوده است.<sup>۵</sup> کاملاً مشخص نیست که تا چه حد می‌توان از اعلام مالکیت‌های ملی در مناقشات حقوقی استفاده نمود.

تقریباً همه ملت‌ها ضرورت حمایت و حفظ اشیای زیبا و تاریخی را پذیرفته‌اند. رهیافت‌ها و نیز کارایی هر یک از آن‌ها به میزان قابل ملاحظه‌ای متفاوتند. لازم است کارهای زیادی در یک سطح سازمانی صورت گیرد. به نظر می‌رسد میان آنچه برای عتیقات و آثار هنری لازم می‌دانیم و آنچه در عمل رخ می‌دهد، شکاف فزاینده‌ای وجود دارد. در پرونده مطرح در نزد دادگاه عالی لندن، راجع به یک قطعه عتیقه متعلق به تخت جمشید، امکان اعمال قانون ملی ایران در مورد میراث فرهنگی در حدود اصول تعارض قوانین انگلستان فراهم شد. نتیجه هرچه بود می‌توانست عواقب جدی و گسترده‌ای را برای بازار عتیقات در انگلند و ولز بر جا گذارد. در هر حال، قاضی ادی استفاده از اصل «رانووا» را نپذیرفت. شاید اگر وی طبق این نظریه تعارض قوانین به نفع ایران عمل می‌کرد، حقوق خصوصی انگلستان و ولز پایه محکمی برای آن دسته از کشورهایی می‌شد که در تلاش برای لازم‌الاجرا کردن قوانین خاص میراث فرهنگی خود در دیگر کشورها هستند.

## زمینه

موضوع پرونده، یک قطعه سنگ برجسته از جنس سنگ آهک است که در نیمه نخست قرن پنجم پیش از میلاد مسیح خلق شده است. این اثر از زمان تهاجم اسکندر به تخت جمشید در زیر خاک پنهان شده بود تا این که در سال ۱۹۳۲ به واسطه حفاری‌های ارنست هرتسفلد کشف شد. تخت جمشید یک مجموعه یادمانی تاریخی است و برای ایرانیان همان قدر اهمیت دارد که آکروپولیس برای یونانی‌ها.<sup>۶</sup>

4. For the position in the United States, see United States v. McClain, 545 F.2d 98(5<sup>th</sup> Cir.); United States v. McCain, 593 F.2d 658 (5<sup>th</sup> Cir.) cert, demied, 444 U.S. 918(1979); Yasaitis, "National ownership Laws as Cultural property protection policy". For England and Wales, see Dealing in cultural objects (offences) Act 2003; Harwood", Dealing in cultural objects (offences) Act 2003".

5. See kreder, "The choice between Civil and Criminal Remedies in stolen Art Litigation", Mackenzie, "Dog a Bit Deepe" (stressing that penalties should be in creased at the market end of the antiguities supply chain); Mackenzie, Going, Gone; Goldberg, "Reaffirming McClain", 1039-42; Gerstenbilth, "Identity and cultural property".

6. Iran v. Berend, (2007) EWHC132(QB) (hereinafter Berend), para.1.

پاراگراف ۱. در حقیقت بسیاری از محققان شک دارند که سازندگان پارتئون از این سنگ برجسته‌ها الهام گرفته باشند. برای تصویر سنگ برجسته و محل منتسب به آن رجوع کنید به: سودابه صدیق، خبرگزاری میراث فرهنگی، «دادگاه لندن مالکیت ایران بر سنگ برجسته هخامنشی را نادیده می‌گیرد». <http://www.chnpress.com/news/> ۲۱ ژانویه ۲۰۰۷.

در سال ۱۹۷۴ دنیز برند، یکی از شهروندان فرانسه، سنگ برجسته مورد نظر را در یک مؤسسه حراج نیویورک از طریق یک دلال خرید. از آن پس، این اثر به مدت ۳۰ سال به دیوار خانه برند در پاریس آویخته شده بود. در سال ۲۰۰۵ این بانوی ۸۵ ساله درصدد برآمد تا این شیء را به مؤسسه حراج کریستیز لندن بفروشد؛ اما در ۱۹ آوریل همان سال ایران خواستار توقیف موقت فروش اثر گردید و قرار قضایی مربوط به نفع این کشور صادر شد.<sup>۷</sup> ایران خواستار بازگشت این شیء به عنوان بخشی از یک یادمان ملی، «به موجب مواد قانونی مصوب در نیمه نخست قرن بیستم میلادی» بود.<sup>۸</sup> قبل از جریان رسیدگی قضایی به پرونده برند، تعدادی از موزه‌ها و دلالان عتیقه نگران تأثیر بالقوه‌ای بودند که تصمیم متخذ می‌توانست برای دارندگان عتیقات پارس در انگلستان و خارج از آن کشور داشته باشد و لذا محتاطانه عمل می‌کردند. مایکل وان ریسن، دلال عتیقه، گفته بود: «اگر دادگاه عالی طرف ایران را بگیرد لرزه بر پیکر همه مجموعه‌داران اشیای هنری و موزه‌ها خواهد افتاد... این تصمیم می‌تواند ایجاد رویه کند و در نتیجه ایران خواهد توانست برای تعداد بیش‌تری از اشیای خود، در سراسر جهان طرح دعوا کند».<sup>۹</sup> شاید این ادعا درست باشد. به هر حال شک نیست که منشأ پیدایش قطعه مورد نظر تحت جمشید بوده و از مکان بخصوصی در ایران و مطمئناً پس از حفاری‌های سال ۱۹۳۲ برداشته شده بود.

### دفاعیات خواننده چه بود

برند از ادعای مالکیت خود با سه استدلال دفاع کرد. نخست آن که قطعه مورد نظر باید در ردیف اموال منقول شناخته شود. طبق قواعد انتخاب قانون حاکم انگلیس، قانون فرانسه باید بر این مناقشه حاکم می‌شد؛ زیرا مطابق اصل «محل وقوع مال» مطرح در پرونده وینکورت علیه کریستیز، برند عنوان مالکیت را تنها در نوامبر ۱۹۷۴ یعنی تاریخ تحویل شیء در فرانسه به دست آورد.<sup>۱۰</sup> دوم آن که برند شیء را با حسن نیت متصرف شده است و طبق ماده ۲۲۷۹ قانون مدنی فرانسه مالکیت بلامعارض را از آن خود کرده است. سوم آن که وی شیء مورد نظر را بیش از ۳۰ سال در اختیار داشته و به موجب ماده ۲۲۶۲ قانون مدنی فرانسه مالکیت آن را به دست آورده است.

۷. قاضی سیلبر قرار مربوط را صادر کرد و مانع از فروش شیء تا حل و فصل نهایی پرونده شد.

۸. در خصوص قانون اموال فرهنگی ایران تحقیق چندانی صورت نگرفته است. احتمال دارد قانون مورد اشاره ایران، تنها یک اعلام مالکیت ملی بوده است. به‌طور کلی دادگاه‌ها محدودیت‌های صادرات دیگر ملت‌ها را اجرا نمی‌کنند. رجوع کنید به: پادشاه ایتالیا علیه دو مدیچی. دولت ایتالیا خواستار صدور قرار برای اسناد دولتی شده بود و دادگاه به آن پاسخ مثبت داد، اما در مورد دیگر اسنادی که صرفاً با نقض قانون ایتالیا از کشور خارج شده بودند هیچ‌گونه قرار صادر نشد.

9. Stephanie Condron, «Museums Face Fallout in Fight over Carving» The Telegraph. (accessed January 17, 2007).

10. Berend, para 6, *winkworth v. christe, Manson & Woods Ltd.* [1980] ch496.

## موضع ایران چه بود

ایران در ابتدا ادعا کرد که قطعه مورد نظر باید در ردیف اموال غیرمنقول شناسایی شود؛ زیرا سنگ برجسته زمانی در بنای تخت جمشید کار گذاشته شده بوده و لااقل تا زمانی که از آن جدا نگردیده غیرمنقول به‌شمار می‌رفته است. این استدلال ایران رد شد. قاضی ادی اظهار داشت که بنا به تصریح طرف‌ها طبق قانون انگلیس و قانون فرانسه، قطعه مورد نظر در ردیف اموال منقول قرار دارد.<sup>۱۱</sup>

ایران به‌ناچار منقول بودن شیء را پذیرفت، اما ادعا کرد که دادگاه انگلیس باید قواعد تعارض قوانین فرانسه را به کار گرفته، از نظریه رانووا استفاده کند.<sup>۱۲</sup> رانووا وضعیتی را توصیف می‌کند که در آن، دادگاه علاوه بر اعمال قانون خارجی، قواعد تعارض قوانین کشور خارجی را نیز به کار می‌گیرد. این احتمال وجود دارد که اصول مورد نظر گاه به قانون کشور سومی نیز ارجاع دهند که در این پرونده، ایران همان کشور سوم به‌شمار می‌رفت. ایران همچنین استدلال نمود که قاضی فرانسوی باید استثنایی بر قاعده عمومی «محل وقوع مال» اعمال کرده، با توجه به سیاست موجود در برخی توافقات بین‌المللی - که فرانسه نیز در سال‌های اخیر آنها را پذیرفته - قانون ایران را به کار گیرد.

به ادعای ایران، سیاست مذکور در تعدادی از اسناد بین‌المللی، از جمله کنوانسیون راجع به طرق جلوگیری و ممنوعیت ورود، صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی (۱۹۷۰ یونسکو) و همچنین کنوانسیون یکسان‌سازی حقوق (Uni Droit) در مورد اشیای فرهنگی مسروقه و یا به‌طور غیرقانونی صادر شده<sup>۱۳</sup> کاملاً مشهود است. کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو نخستین واکنش بین‌المللی در برابر غارت فزاینده محوطه‌های باستان‌شناسی و دیگر اماکن میراث فرهنگی در سطح جهان بود که در دهه ۶۰ نمود یافت.<sup>۱۴</sup> فرانسه کنوانسیون ۱۹۷۰ را در ۷ ژانویه ۱۹۹۷ تصویب کرد. این کشور کنوانسیون یکسان‌سازی حقوق را نیز امضا کرده، اما اجرای آن را رسماً آغاز نکرده است. اهمیت این توافقات بین‌المللی در اهتمام آن‌ها به ایجاد یک چارچوب

11. Berend para. 5.

12. Berend, para. 8.

13. UNESCO Convention on the Means of Prohibiting and Preventing the Illicit Import, Export and Transfer of Ownership of Cultural Property, Nov. 14, 1970, 823 U.N.T.S. 231 (hereinafter 1970 UNESCO Convention). Final Act of the Diplomatic Conference for the Adoption of the Draft UNIDROIT Convention on the International Return of Stolen or Illegally Exported Cultural Objects, Rome, June 23, 1995, 2096/DC8, reprinted in 34 I.L.M. 1322 (hereinafter UNIDROIT Convention).

14. See coggins: «juicit trafic of pre-columbian Antiquities»

مقاله این‌گونه آغاز می‌شود: «در ده سال گذشته تعداد بی‌شماری از یادمان‌های منقول گواتمالا و مکزیک به‌طور سازمان یافته‌های مورد سرقت، تخریب و صدور غیرقانونی قرار گرفته‌اند و از این طریق خوراک بازار بین‌المللی اشیای هنری تأمین شده است. امریکای لاتین از قرن شانزدهم میلادی بدین سو چنین غارت بی‌رحمانه‌ای به خود ندیده است.»

مهارکننده برای پایان دادن به تجارت غیرقانونی اموال فرهنگی است. لذا از هدف عمومی پیشگیری از غارت و تخریب محوطه‌های باستان شناسی سخن می‌گویند. به نظر ایران، قاضی فرانسوی باید به موجب همین هدف، استثنایی برای استرداد شیء موضوع این پرونده می‌یافت.<sup>۱۵</sup> با این که هیچ‌یک از کنوانسیون‌های مذکور، ارتباطی با قطعه موصوف نداشتند، اما حسب تأکید ایران، قاضی فرانسوی در اعمال استثنا بر قاعده محل استقرار مال حتماً متوجه ارتباط دو سند می‌شد. ایران مدعی بود که قاضی فرانسوی در شرایط موجود باید قانون ایران را اعمال خواهد کرد، زیرا کاملاً مشخص است که سنگ برجسته از تخت جمشید در زمانی نامعلوم پس از سال ۱۹۳۲ برداشته شده است. در این جا قبل از بررسی تحلیل قاضی ادی در مورد استفاده از قاعده رانوا، شایسته است مفهوم آن قاعده را مورد بررسی قرار دهیم.

### مقدمه‌ای بر رانوا

رانوا که در لغت به معنای «بازگرداندن» است، نظریه حقوقی پیچیده‌ای است که پرسش‌های نظری جالب توجهی را ایجاد کرده است. طبق این نظریه «هنگامی که دادگاه مطابق قواعد تعارض قوانین خود، لازم تشخیص می‌دهد که از قانون واحد حقوقی دیگری استفاده کند، ضروری است علاوه بر قوانین داخلی واحد مربوط، قواعد تعارض قوانین آن را نیز به کار بندد».<sup>۱۶</sup> لذا به نظر ایران در این پرونده، قانون حاکم می‌توانست یک قانون خارجی، قانون مرجع رسیدگی یا حتی قانون یک کشور ثالث باشد. اگرچه بر این نظریه انتقادات زیادی هم از جانب محققین و هم قضات وارد شده است، اما در عین حال هر از گاهی در عرصه حقوق بین‌الملل نمود می‌یابد.<sup>۱۷</sup> رانوا اصلی غیرمعمول از انتخاب قانون است و به ندرت پیش می‌آید. این نظریه به دلیل فقدان ذاتی ثبات و انسجام آن، چندان تناسبی با موضوعات تعارض قوانین جدید ندارد و به تجربه ثابت شده که این قاعده بیش‌تر کاربرد نظری دارد و استفاده از آن در عمل، کار مشکلی است.

نظریه رانوا با تصمیم اخیر دادگاه عالی استرالیا در خصوص پرونده نیلسون علیه شرکت برنامه‌های آن سوی دریاها وابسته به شرکت ویکتوریا احیا شد. موضوع از این قرار بود که خانم

15. Berend, para. 11

در آن جا توجه ویژه‌ای به ماده ۳ کنوانسیون مبذول شده است. طبق این ماده: «ورود، صدور و انتقال مالکیت اموال فرهنگی که برخلاف تدابیر متخذ دولت‌های عضو، به موجب کنوانسیون حاضر، صورت گیرد، غیرقانونی است». به ماده ۵ کنوانسیون یکسان‌سازی حقوق اشاره شد که اظهار می‌دارد: «هریک از کشورهای متعاقد می‌تواند از دادگاه یا مرجع ذیصلاح کشور متعاقد بخواهد دستور اعاده شیء فرهنگی را که به‌طور غیرقانونی از سرزمین کشور درخواست‌کننده خارج شده، صادر کند».

16. [Among mous] Note «A Distinction in the Renvoi Doctrine», Harvard Review 35 (1922): p. 454.

17. See Iorenzen «The Renvoi and the Application of Foreign Law»; and Kramer, «Return of the Renvoi».

ویلسون از پله‌های آپارتمان‌ش در کشور چین پایین افتاده و مجروح شده بود. وی متعاقباً علیه شرکت برنامه‌های آن سوی دریاها، کارفرمای استرالیایی شوهرش، به اتهام مسامحه شکایت کرد. طبق مقررات استرالیا، قانون محل آسیب‌دیدگی (قانون محل ارتکاب جرم) قانون حاکم بر این دعوا بود؛ یعنی در این پرونده بایست قانون چین به کار گرفته می‌شد، اما دعوا مشمول مرور زمان یک ساله شده بود. در هر حال، دادگاه عالی از نظریه رانوا به نفع ویلسون بهره گرفت. دادگاه عالی به قانون استرالیا مراجعه کرد و دوره مرور زمان استرالیا را به کار گرفت. در نتیجه، ویلسون پیروز شد.

سه انتقاد کلی ذیل بر قاعده رانوا وارد است:

نخست این که برای اعلام نظر تخصصی کارشناسان حقوق خارجی اهمیت زیادی قائل است. در پرونده برند (Berend) کاملاً مشخص بود که قاضی ادی (Eady) اهمیت چندانی به نظریه کارشناس حقوقی معرفی شده از سوی خواهان نمی‌داد.<sup>۱۸</sup> دوم این که استفاده از این نظریه ممکن است منجر به یک دور باطل بالقوه شود که در آن هر کدام از دو کشور برای اعمال قوانین دیگری تلاش می‌کنند.<sup>۱۹</sup> این انتقاد هرچند معرف یک معمای فکری پیچیده است، اما در پرونده برند کاربردی نداشت؛ چرا که ایران خواستار آن بود که از قانون آن کشور - نه قانون انگلیس - توسط یک قاضی فرانسوی استفاده شود. سوم این که استفاده از رانوا می‌تواند قاضی را با قوانین چند نظام حقوقی خارجی مواجه کند، کما این که در قضیه برند این اتفاق افتاد.

## تحلیل قاضی ادی

اگرچه قاضی ادی اشاره آشکاری به این امر نکرد، اما ممکن است تصمیم وی متأثر از این فکر باشد که به کارگیری رانوا در آینده، مشکلات بالقوه‌ای را برای قضات ایجاد خواهد کرد و احتمالاً تأثیر عمیقی بر تجارت عتیقات در انگلستان و ولز بر جا خواهد گذاشت. وی گفت: من می‌توانم

۸۱. M. Berend در پاراگراف ۵۳ گفته شده: «شکی نیست آقای برلیو، [کارشناس حقوقی مورد استفاده ایران] به زعم آن که از موهبت سخنوری به اختصار برخوردار نبود، آمادگی حمله به اعتبار و آبروی دیگران را داشت. با این حال استنباط من این نیست که دلایل وی به‌طور کلی غیرقابل اطمینان است.

۹۱. این اشتباه نخستین بار در سال ۱۸۸۱ توسط یک حقوقدان بلژیکی به نام لارنت تشریح شد. رجوع کنید به: «شات، رانوا در پرونده‌های چندملیتی مفتوح در محاکم نیویورک». شات دور باطل مورد نظر را با مثال ذیل تشریح می‌کند: «دادگاه کشور «الف» قاعده مورد نظر خود را انتخاب می‌کند که طبق آن باید به قانون کشور «ب» توجه نماید. دادگاه کشور «الف» قانون «کلی» کشور «ب» را مد نظر قرار می‌دهد که شامل انتخاب قواعد حقوقی کشور «ب» نیز هست. در نتیجه، دادگاه کشور «الف» به قوانین کشور «الف» برگشت داده می‌شود. آنگاه دادگاه مورد نظر باید تصمیم بگیرد که آیا لازم است فقط «قانون داخلی» کشور «الف» مثلاً قوانین تقسیم ارث را در نظر بگیرد یا قانون کلی آن را که شامل انتخاب قوانین آن نیز می‌شود. اگر دومی را برگزیند به‌ناچار باید دوباره به قوانین کشور «ب» توجه کند و این دور همین طور ادامه خواهد داشت (۱۴۴).

دلایلی برای مطلوبیت استفاده کلی از قانون کشور مبدأ در پرونده‌های موضوع گنجینه‌ها یا یادمان‌های ملی بیابیم، اما این موضوعی است که اگر دولت‌ها لازم می‌دانند خود باید آن را تعیین و اجرا کنند.<sup>۲۰</sup> وی قبول داشت که چند دلیل بالقوه برای حقانیت استفاده از رانوا در قضیه اموال فرهنگی وجود دارد، اما با این حال اتخاذ چنین تصمیمی را مطلقاً در حوزه صلاحیت دولت‌ها می‌دانست نه دادگاه‌ها.

رانوا هیچ‌گاه در حقوق انگلیس برای اموال فرهنگی به کار نرفته است و خود این امر در پرونده برند، مانعی برای خواهان به‌شمار می‌رفت. قاضی ادی اولین مسأله را به شکل زیر ترسیم کرد:

به‌عنوان یک موضوع قواعد تعارض قوانین انگلیس، آیا دادگاه انگلیس در تعیین عنوان قطعه در طبقه اموال منقول واقع در فرانسه، تنها به مفاد قوانین داخلی فرانسه توجه خواهد کرد یا قواعد تعارض قوانین فرانسه و نیز مفاد هریک از قوانین موضوعه داخلی فرانسه را که با موضوع مرتبطند به کار خواهد گرفت؟<sup>۲۱</sup>

اتخاذ تصمیم در این خصوص که آیا باید از رانوا در هر بستر معینی استفاده کرد یک بحث سیاستی است؛<sup>۲۲</sup> ابزار سودمندی که به کمک آن، راه برای اتخاذ تصمیم مشابه در پرونده‌های مشابه، صرف‌نظر از مرجع رسیدگی آن‌ها، هموار می‌شود. یک قاضی دادگاه عالی انگلیسی اگر قصد داشته باشد با استفاده از قاعده رانوا سیاست قانون کشور خارجی را به کار گیرد لازم است قبلاً به سیاست داخلی کشور خود توجه کند. این امر به قاضی اجازه می‌دهد در انتخاب یک قاعده قانونی مشخص، هدف سیاست عمومی را دنبال کند.

بیش‌ترین استفاده از رانوا در حقوق انگلیس، در زمینه قانون وراثت بوده، اما کاربردی در مورد قراردادهای یا مسئولیت مدنی نداشته است.

برخی ادعا کرده‌اند که تحلیل سیاست اصلی رانوا آن را به یک نظریه قابل بحث بدل کرده است. دادگاه تنها زمانی قانون خارجی را به کار می‌بندد که منافع کشور را در اعمال قانون و سیاستش مشروع تشخیص دهد و این بدان معنا است که قانون داخلی آن کشور غالب شده، مانع از اعمال قانون کشور دیگر خواهد شد.<sup>۲۳</sup> در این پرونده ایران استدلال نمود که حسب تأکید روح حقوق فرانسه، قانون کشور مبدأ - در این پرونده بخصوص قانون ایران - قاضی فرانسوی را به سمت استفاده از همان قانون هدایت خواهد کرد. در هر صورت برای رسیدن به این نتیجه لازم

---

20. Berend Para.30.

21. Berend Para. 19.

22. Berend Para. 20.

23. Currie, selected Essays on the conflict of Laws. 184-85.

است قاضی فرانسوی از نظریه بگرنج و بحث برانگیز رانوا استفاده کند. قاضی ادی بایست مبادرت به تحلیل سیاست می‌کرد، اما وی در این بازی عملاً انتخاب سیاست را نادیده گرفت. عمده توجه وی به این واقعیت بود که در انگلستان و ولز هیچ‌گاه از نظریه رانوا در مورد اموال منقول استفاده نشده است. وی نه تنها استفاده از رانوا را در این پرونده بخصوص تأیید نکرد، بلکه به نظر می‌رسد حتی مانع از استفاده آتی دیگر قضات در پرونده‌های موضوع اموال منقول شد. به گفته وی:

«من هیچ جایگاهی برای متداول کردن نظریه رانوا در خصوص یک شیء ملموس - نظیر شیء موضوع این پرونده - به‌عنوان یک مسأله سیاستی نمی‌بینم ... به نظر من هیچ دلیلی وجود ندارد که میان این پرونده و پرونده میلِت تفاوت قائل شویم و باید بگوییم این نخستین بار است که سیاست عمومی ایجاب می‌کند قوانین انگلیس نظریه رانوا را برای تعیین عنوان اموال منقول معرفی کنند».<sup>۲۴</sup>

در تحلیل سیاست مربوط، توجه به این مسأله ضروری بود که آیا دادگاه فرانسه با توجه به سیاست‌های مقرر در هر دو کنوانسیون ۱۹۷۰ یکسان‌سازی حقوق تصمیم می‌گرفت که قانون ایران حاکم بر این مناقشه باشد یا خیر. قاضی ادی برای این واقعیت اهمیت قائل بود که هر چند فرانسه کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو را در سال ۱۹۹۷ تصویب کرده، اما هیچ‌گاه تعهدات مقرر در آن را صریحاً در قوانین داخلی خود وارد نکرده است. در هر حال به نظر می‌رسد قاضی ادی در این خصوص که عدم ادغام معاهده در قوانین داخلی فرانسه دقیقاً چه چیزهایی را ایجاب می‌کند نیز نظر روشنی نداشت. فرانسه متعهد به اجرای دستورالعمل ۱۵ مارس ۱۹۹۳ شورای اروپا در خصوص بازگرداندن اشیای فرهنگی غیرقانونی بود که به‌طور غیرقانونی از سرزمین‌های هر کشور عضو خارج شده‌اند.<sup>۲۵</sup> این کشور وضع قانون خاصی جهت اجرای کنوانسیون ۱۹۷۰ را لازم ندانسته است، اما در سال ۱۹۹۹ دادگاهی در کشور هلند، دعوی یک کلیسای قبرسی به خواسته استرداد ۴ شمایل تحصیل شده توسط یک خریدار با حسن نیت را رد کرد. خریدار ادعا کرده بود که تصویب کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه راجع به حمایت از اموال فرهنگی در زمان درگیری مسلحانه توسط کشور هلند، به معنای نادیده گرفتن حقوق مالکانه یک خریدار با حسن نیت نیست و دادگاه این استدلال را پذیرفت.<sup>۲۶</sup> حتی اگر دادگاه فرانسوی کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو را اعمال می‌کرد، این احتمال وجود نداشت که برای آن اثر عطف به ماسبق بودن قائل شود. قاضی ادی به‌درستی

24. Berend, Paras. 23-24.

۲۵. دستورالعمل ۹۳/۷ شورای اروپا در خصوص بازگرداندن اشیای فرهنگی که به‌طور غیرقانونی از سرزمین‌های هر کشور عضو خارج شده‌اند. این دستورالعمل یک برنامه منسجم استرداد را میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا ایجاد کرد. این دستورالعمل با کنوانسیون یونسکو مغایر بوده، تنها به صادرات غیرمجاز می‌پردازد.

26. See *Autocefale Grieks or thodoxe kerk prus v. W.O.A Lans*, noted in 8 mt J. of cul prup. 583 (1999).



متوجه محدودیت زمانی ۵۰ ساله مقرر در کنوانسیون یکسان‌سازی حقوقی از زمان تملک اشتباهی شیء بود و این مانع مطمئناً برتری ایران در پرونده را با مشکلاتی روبه‌رو می‌کرد.<sup>۲۷</sup> قاضی ادی قویاً بر قضیه مک‌میلان و شرکت سرمایه‌گذاری امانی بیشاپزگیت تأکید داشت. در آن پرونده، قاضی میلِت رویه پیچیده‌ای برای تصمیمات سیاستی در برخورد با ارزیابی کاربرد رانووا پی‌ریزی کرد.<sup>۲۸</sup> ادی به نظریه قاضی موربیک در پرونده بین‌الملل گلانکور و بین‌الملل تجاری مترو نیز استناد کرد. طبق این نظریه:

«اگر قاعده محل وقوع مال در ارتباط با اموال منقول - لااقل تا حدی - کنترل عملی کشور محل وقوع را بر آنها را تأیید کند، حرفی برای گفتن در مورد اعمال مقررات دادگاه‌های آن کشور وجود خواهد داشت».<sup>۲۹</sup>

این اظهارات نیز کمکی به خواهان نکرد. هرچند در این نظریه تمایلی کلی نسبت به اعمال مقررات کشور محل وقوع شیء مشهود است، اما عبارت «حرفی برای گفتن» مبهم‌تر از آن بود که قاضی ادی بتواند به واسطه آن، استفاده از رانووا را در این پرونده تأیید کند. چون قاعده رانووا به کار گرفته نشد لذا تنها گزینه باقی‌مانده، استفاده از قانون فرانسه در این دعوا بود. به عقیده قاضی ادی، قاعده محل وقوع مال حکم می‌کند که در این دعوا قانون داخلی فرانسه اعمال گردد.<sup>۳۰</sup> لذا از آن‌جا که خواننده با حسن نیت عمل کرده بود، وی در نوامبر ۱۹۷۴ یعنی زمان تصرف قطع موردنظر عنوان مالکیت را به‌دست می‌آورد.<sup>۳۱</sup> در پایان هر قاضی دادگاه عالی انگلیس باید قانون فرانسه را در وضعیت فعلی آن تفسیر کند و نمی‌تواند قواعد جدیدی را ایجاد کند. قاضی ادی با در نظر گرفتن همه جوانب، استفاده از قانون ایران در این دعوا را توسط دادگاه فرانسه «بسیار غیرمحتمل» دانست. وی شهادت دو کارشناس

27. Berend, Para. 41.

۲۸. قاضی میلِت اظهار داشت: «تعیین اولویت میان دعاوی رقیب موضوع مال فرهنگی، بستگی به ملاحظات سیاست حقوقی داخلی دارد. یک دادگاه انگلیس، تصمیمات خود را براساس اصول تعارض قوانین انگلیس اتخاذ می‌کند و مسأله تعیین اولویت که باید با اعمال قواعد حقوق خارجی تعیین شود نیز مبتنی بر ملاحظات سیاست حقوقی البته در سطوح عالی نظری است. تصمیم‌گیری سیاستی در سطوح عالی‌تر ایجاب می‌کند که سیاست اتخاذ شده در سطوح پایین‌تر توسط حقوق انگلیس اعمال نشود؛ زیرا ملاحظاتی که موجب اتخاذ آن در قانون داخلی شده‌اند ربطی به شرایط ویژه پرونده ندارند؛ و سیاستی که در سطح پایین‌تر توسط قانون خارجی اتخاذ شده باید در جای خود به کار گرفته شود».

29. Winkworth, [1980], [2001] 1 Lloyds Rep. 284 at Para. 41.

۳۰. ذکر این نکته جالب است که در آن پرونده، قاضی اسلد بر آن نظر بود که «اگر سیاست عمومی موافق باشد، اعمال رانووا از لحاظ نظری امکان‌پذیر است».

31. Berend, Para. 33.

حقوق فرانسه در این خصوص را بررسی کرد و در پاسخ به این مسأله که چرا به نظر وی دادگاه فرانسه قانون ایران را به کار نخواهد بست، دلایلی را به شرح آتی ذکر کرد:<sup>۳۳</sup>

نخست آن که در فرانسه سابقه چنین استفاده‌ای وجود داشت. دوم آن که عدم ورود مفاد کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو در قوانین داخلی فرانسه خود گواهی بود بر این که قانونگذار این کشور تمایلی به متعهد کردن کشورش به مفاد آن معاهده ندارد. سوم آن که با اعمال قانون ایران، اعمال شرایط مرور زمان در این پرونده میسر نمی‌شد. چهارم این که هیچ‌گونه پیش‌بینی پرداخت غرامت به خانم برند برای خرید با حسن نیت وی وجود نداشت و پنجم این که هرچند به ادعای ایران قوانین داخلی فرانسه با تعهدات کنوانسیون‌ها منطبقند، اما قاضی ادی عقیده داشت: مدت زمان زیادی است که این کنوانسیون‌ها تصویب شده‌اند و فرانسه قانون خود را با آن‌ها منطبق نکرده است و آقای فوسار کارشناس حقوق فرانسه برای خواننده به فصاحت سؤال کرد که چرا به‌عنوان یک موضوع سیاست قضایی، دادگاه فرضی فرانسه باید تصور کند که زمان اجرای آن کنوانسیون‌ها همین سال ۲۰۰۷ است.<sup>۳۳</sup>

بی‌میلی قاضی ادی به عدم استفاده از رانوا جهت به‌کارگیری قانون ایران در این پرونده، قابل درک بود. رانوا هیچ‌گاه در مورد منقولات در حقوق انگلیس مورد استفاده قرار نگرفته بود. وی قبول داشت که «شاید به‌طور کلی چند دلیل برای امکان مطلوبیت استفاده از رانوا و قانون کشور مبدأ در خصوص گنجینه‌های ملی یا یادمان‌ها وجود داشته باشد، اما اگر دولت‌ها صلاح می‌دانند خود باید به این موضوع بپردازند».<sup>۳۴</sup> رانوا در اصل برای ایجاد انسجام میان حوزه‌های قضایی طراحی شده بود. در هر حال به نظر قاضی ادی، استدلال قاضی میلر در پرونده مک‌میلان ارتباط بیش‌تری با این موضوع داشت. به گفته ادی واضح است قاضی میلر یک سیاست معتبر حقوق انگلیس یعنی انتخاب محل وقوع مال به مفهوم حقوق داخلی را تأیید کرد. به بیان دیگر، کار او نمی‌تواند به معنای رد نظریه رانوا باشد.<sup>۳۵</sup>

دو عامل دیگر در اثبات ناکارآمدی رانوا در این پرونده وجود داشت. نخست این که اعمال این نظریه می‌توانست تأثیر جدی بر داد و ستد عتیقات در انگلستان و ولز بگذارد. این امر ممکن بود دادگاه‌های انگلستان را به مرجع عالی بالقوه‌ای برای آن دسته از کشورهای مبدأ بدل سازد که همواره در صدد اجرای قوانین میراث فرهنگی خود در خارج از مرزهای‌شان بوده‌اند و دلالتان

32. Berend, Para. 37.

33. Berend, Paras. 36-43, 50.

34. Berend, Para.30.

35. Berend, Para. 32.

عتیقات و خانه‌های حراج در لندن را با مشکلاتی روبه‌رو می‌ساخت. کاملاً روشن بود که از نظر قاضی ادی اتخاذ چنین تصمیمی وظیفه دولت مربوط است، نه قاضی. دوم این که همان‌گونه که قاضی میلر بارها عنوان می‌کرد، به‌کارگیری نظریه رانووا توسط قضات غالباً مشکل است.

### نتیجه

هرچند قاضی ادی از مزایای بالقوه اعمال قاعده رانووا در مورد آن دسته از منقولات که بخشی از «گنجینه و یا یادمان ملی» به‌شمار می‌آیند، آگاه بود اما در قضیه برند در مورد استفاده از این نظریه برای یک شیء منقول تردید داشت. یقیناً وی متوجه این قضیه بود که کشورش با الحاق به کنوانسیون ۱۹۷۰ یونسکو همین سیاست را تأیید کرده است؛ اما هرچند این الحاق نمایانگر تمایل اکید یک ملت بر مبارزه با تجارت غیرقانونی اموال فرهنگی است، اما لزوماً نمی‌تواند منجر به پیدایش یک چارچوب حقوقی مناسب برای تحقق آن تمایلات گردد.

سرقت عتیقات نادر از تخت جمشید باعث تأسف است. یقیناً این آثار بخشی از تاریخ ایران را تشکیل می‌دهند و حساسیت ایران نسبت به آن‌ها قابل درک است. با این حال جای تعجب است که چرا این کشور در سال ۱۹۷۴ یعنی زمان خرید شیء توسط برند علیه وی طرح دعوا نکرد. در آن زمان ایران به هر دلیل، حقوق خود را مطالبه نکرد. به‌طور قطع اعمال رانووا بر تجارت عتیقات اثر می‌گذاشت. در آن صورت، تعداد کثیری از داد و ستدهای انجام شده در انگلستان به‌طور بالقوه تابع قوانین کشورهای مبدأ می‌شدند و متعاقباً حقوق جزای برخی کشورها متأثر از این رویداد می‌گردید. محکومیت اخیر جاناتان پاری در انگلستان<sup>۳۶</sup> و همتای او فردریک شولتز<sup>۳۷</sup> در ایالات متحده نشان داد که حقوق جزای انگلند و ولز و ایالات متحده تا حدی برای قوانین میراث فرهنگی دیگر کشورها ارزش و احترام قائلند.<sup>۳۸</sup> هرچند نتیجه مشابه در چارچوب حقوق مدنی محقق خواهد شد، اما در عوض قدرت کشورهای مبدأ در طرح دعوا نزد محاکم انگلستان و ولز به‌طرز چشمگیر افزایش خواهد یافت. قطعاً این تغییر چشمگیر منجر به پیدایش تعداد کثیری مرافعه و جنجال شده، احتمالاً دستگاه قضایی انگلستان نیازمند احاله موضوع به پارلمان خواهد بود.

36. R.V. Tokeley, Parry, [1999] Crim. L.R. 578.

۳۳. ایالات متحده آمریکا علیه شولتز.

۳۴. ر.ک: قانون (جرایم) معامله اشیای فرهنگی مصوب اکتبر ۲۰۰۳.